

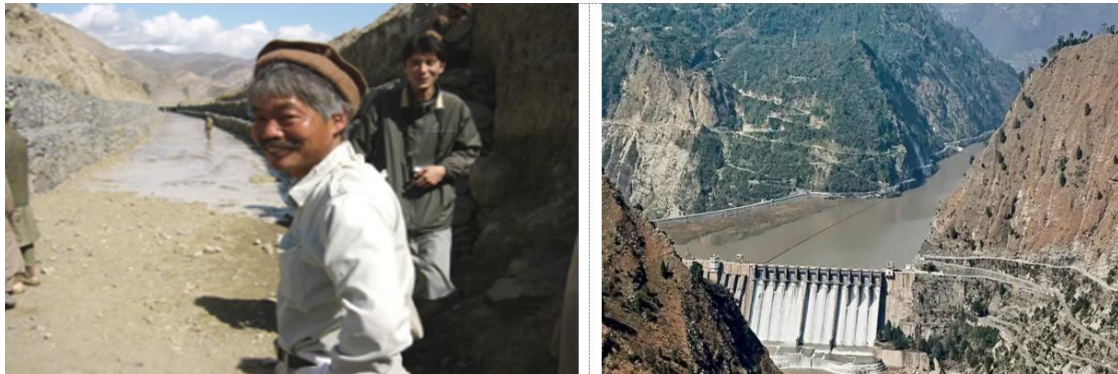
مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۵/۲۵

احمد فواد ارسلا

دریا های محاصره شده نبرد افغانستان برای حاکمیت آبهای دریا هایش در میان رقابت های منطقه ای



مقاله ذیل را قبلاً به انگلیسی در سایت های لینکدین، ایکس و دعوت میدیا نشر کرده ام

<https://www.linkedin.com/pulse/rivers-under-siege-afghanistans-struggle-water-amid-regional-arsala-geupe/?trackingId=0%2FjJ9clxSWCkVvSFNkRXIQ%3D%3D>

ترجمه دری در ذیل تقدیم است.

در فضایی جیوپولیتیکی که در ابتدا با رقابت های ارضی و کمبود منابع تعریف می شود، آرزو های افغانستان برای اداره منابع آبی—که روزگاری به دلیل امنیت چند سال اخیر و ثبات نسبی داخلی دست یافتنی به نظر می رسید— اکنون با تهدیدی جدی مواجه شده اند. همزمانی چندین تحول نگران کننده، توانایی کابل را برای اعمال حق حاکمیت بر دریاهایش به خطر انداخته است: تعلیق معاهده آبی سند توسط هند، افزایش بحران آب در آسیای مرکزی، و فشار فزاینده ایران در مورد جریان رود هلمند.

طوفان در حال شکل گیری: موضع سخت گیرانه هند در مورد آب های دریای سند

اعلام اخیر هند پس از حمله تروریستی منتسب به پاکستان در پهلگام (در کشمیر تحت اداره هند)، مبنی بر اینکه پاکستان دیگر آبی را دریافت نخواهد کرد «که هند بر آن حق دارد»—به نقل از نخست وزیر نارندرا مودی—نقطه عطف خطرناکی در سیاست آبی جنوب آسیاست. معاهده آب سند که در سال ۱۹۶۰ میان هند و پاکستان میانجی گری شد، از محدود موفقیت های دیپلماتیک میان این دو کشور دارنده سلاح اتمی بود. از بین رفتن این معاهده نه تنها به معنی افزایش کشمکش میان دو قدرت اتمی است، بلکه لرزه های آن تا ماورای سرحد ها، بخصوص در افغانستان، احساس می شود.

چرا؟ چون افغانستان دریا های کابل و کنر را با پاکستان شریک است—دریاهایی که در نهایت به حوزه آبریز سند می پیوندند. تلاش افغانستان برای اعمال حاکمیت آبی، بخصوص با پلان های اعلام شده اخیر برای ساخت بندهایی بر دریای کنر، اکنون در توری از رقابت ها و بدگمانی های منطقه ای گرفتار شده است.

نمونه ای بارز از تهدیدات منطقه ای بر حاکمیت آبی افغانستان، میراث مرحوم دکتر تنسو ناکامورا است—نیوکوار جاپانی که پروژه های کانال سازی او قسمت هایی از شرق افغانستان، بخصوص ولایت ننگرهار را متحول ساخت. تلاش های او زمین های خشک را به حیات بازگرداند، امنیت غذایی را بهبود بخشید و زندگی هزاران خانواده را تغییر

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

داد. اما پروژه‌هایی مانند کانال ناکامورا—انسان‌دوستانه، غیرسیاسی و دگرگون‌کننده در سطح محلی—اکنون نه تنها از ناحیه بی‌ثباتی داخلی، بلکه از موج بلند سیاست آبی منطقه‌ای در خطر قرار دارند. در حالی که کشورهای همسایه در مواضع سخت‌گیرانه نسبت به جریان آب‌های مرزی فرو رفته‌اند، تلاش‌های توسعه‌ای افغانستان بیشتر و بیشتر به عنوان تهدیدی از سوی کشورهای پایین آب دریا دیده می‌شود. چیزی که زمانی نمونه کوشش محلی و منطقه‌ای بود، اکنون در آستانه تبدیل شدن به قربانی محاسبات ستراتیژیک، دیپلماسی اجباری، و ادعاهای متقابل است—امری که نه تنها پایداری فیزیکی چنین پروژه‌هایی را تهدید می‌کند بلکه روح همبستگی بین‌المللی را نیز خدشه‌دار می‌سازد. با احساس فشار از سوی موضع تهاجمی هند، ممکن است پاکستان تلاش کند کابل را برای تضمین آنچه «حقیقه مشروع» خود می‌داند، تحت فشار بگذارد—افغانستان را به مهره‌ای در نبرد بزرگ‌تر تبدیل کند. دکتر ناکامورا زمانی ترور شد که معاهده آب سند برقرار بود—اما چه بر سر پروژه‌های از نوع بند و کانال خواهد آمد، اگر این معاهده دیگر به قوت خود باقی نباشد؟

دیپلماسی بندهای چین: جبهه جدید فشار

اوضاع زمانی وخیم‌تر شد که تنها چند روز پس از تصادمات هند و پاکستان و تعلیق معاهده سند، تصاویر ستلایت نشان دادند که چین با سرعت در حال افزایش ساخت و ساز در بند مهمند در شمال غرب پاکستان است—پروژه‌ای که عواقب وسیع‌تر از تولید برق دارد. دخالت چین در پروژه‌های برق آبی پاکستان تنها سرمایه‌گذاری نیست؛ بلکه امتداد هدفمند نفوذ منطقه‌ای پیکنگ است.

این تحولات، فشار بر افغانستان را از دو جبهه—پاکستان و چین—افزایش داده است. این دو کشور ممکن است جبهه‌ای واحد تشکیل دهند تا پروژه‌های آبی افغانستان را تحت عنوان «ثبات منطقه‌ای» یا «تأثیرات پایین آبی دریا ها» متوقف یا تخریب کنند.

بحران خاموش آسیای مرکزی: دریا‌های در حال خشک شدن، کشمکش‌های رو به افزایش

در همین حال، آسیای مرکزی با بحران عمیق آبی دست‌وپنجه نرم می‌کند. با تسریع ذوب یخچال‌ها به دلیل تغییرات اقلیمی و افزایش ساخت بندها در کشورهای بالایی دریاها مانند قرغیزستان و تاجیکستان، کشورهای پایین دریا—بخصوص ازبکستان و ترکمنستان—زنگ خطر را به صدا درآورده‌اند. در این فضای پرکشمکش هیدرولوژیکی، پروژه‌های گسترده آبی افغانستان با سوءظن و نگرانی فزاینده مواجه شده‌اند.

تصاویر ستلایت از نشست آب مرموزی در پروژه کانال قوش‌تپه افغانستان در اوایل امسال—که ممکن است انحرافی پلان شده، اشتباه ساخت کانال یا خرابکاری بوده باشد—نگرانی‌های منطقه‌ای را تشدید کرده و نشان داده که دیپلماسی آبی تا چه حد شکننده و عمدتاً در سطح عکس‌العمل شده است. اکنون هر متر مکعب آب که در داخل افغانستان منحرف می‌شود، عواقب سیاسی در ماورای سرحدات دارد.

فشار فزاینده ایران: منازعه بر سر رود هلمند

جمهوری اسلامی ایران نیز وارد عرصه شده است. تهران سال‌هاست که خواستار افزایش جریان آب از افغانستان به سوی ولایت خشک سیستان و بلوچستان از طریق دریای هلمند است. در حالی که افغانستان زیربناهایی چون بند کمال‌خان را برای تنظیم جریان این دریا می‌سازد، ایران کابل را به نقض توافقات پیشین متهم می‌کند—در حالی که افغانستان مکرراً بر حق حاکمیت خود بر استفاده از منابع تأکید داشته است.

این منازعه به سرعت به نقطه بحرانی تبدیل می‌شود. مقام‌های ایرانی تهدید کرده‌اند که در صورت برآورده نشدن خواسته‌هایشان دست به اقدامات یک‌جانبه خواهند زد. راپور‌های‌هایی از تصادمات سرحدی و افزایش حضور نظامی ایران در نزدیکی دریای هلمند، جدیت موضع تهران را نشان می‌دهد. در بدترین سناریو، افغانستان ممکن است خود را در محاصره کامل ببیند—از سوی پاکستان، چین، همسایگان آسیای مرکزی و ایران—که هرکدام خواستار کنترل یا نفوذ بر جریان دریا‌های آن هستند.

منطقه‌ای آماده برای فشار: محاصره ستراتیژیک

آرزوی افغانستان برای اداره منابع آبی‌اش پس از دهه‌ها جنگ، باید داستانی از حاکمیت و توسعه می‌بود. اما اکنون در حال تبدیل شدن به روایتی از مقاومت منطقه‌ای، محاصره ستراتیژیک و فشار سیاسی است. از سلاح‌سازی آب‌های سند توسط هند، تا دیپلماسی بند سازی چین، از دخالت‌های مکرر پاکستان تا موضع‌گیری‌های سخت‌گیرانه ایران بر سر هلمند و بحران کم‌آبی آسیای مرکزی—افغانستان در حال گرفتار شدن است.

اگر این فشار هیدروپولیتیکی مهار نشود، می‌تواند دیدگاه توسعه افغانستان را نابود کند و تلاش‌های بازسازی پس از جنگ را بی‌اثر سازد. همان دریا‌های که تمثال بیداری ملی‌اند، ممکن است به ابزار سلطه خارجی تبدیل شوند.

نتیجه‌گیری: دعوت برای حاکمیت، ستراتیژی و دیپلماسی منطقه‌ای

زمان آن فرا رسیده است که بپذیریم آب تنها یک منبع نیست—بلکه سرحد جدید جیوپولیتیکی افغانستان است. دولت افغانستان، با حمایت موسسات بین‌المللی، باید حقوق آبی خود را مدون سازد، توافقات سرحدی را بر مبنای شرایط خود تقویت کند و به‌طور فعال با حرکات اطلاعات نادرست کشورهای همسایه مقابله نماید. همچنین، سرمایه‌گذاری در دیپلماسی آبی باید هم‌سطح با سرمایه‌گذاری در زیربنای آبی باشد.

افغانستان حق حاکمیت کامل بر دریا هایش را دارد. اما حاکمیت اعلام نمی‌شود—بلکه با قانون، دیپلماسی و دوراندیشی ستراتیژیک حفظ می‌شود. بدون این وسایل، ثباتی که به‌سختی به دست آمده، ممکن است به‌سرعت همچون منابع آبی حفاظت‌نشده از دست برود.

آرشیف: مطالب نشرشدهٔ محترم احمد فواد ارسلا